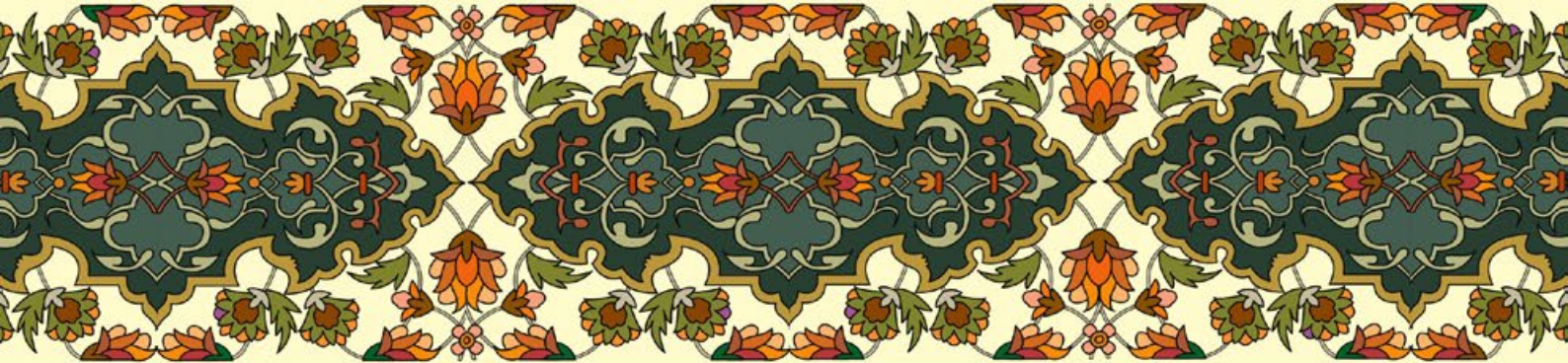




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى





شماره: ۱۲۲

عنوان: شیعه در گرداب تباهی

نویسنده: حسن میرزایی

تاریخ: ۱۴۰۲/۵/۴



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



دیرزمانی است که بدنه‌ی اصلی مذهب شیعه به آفتی بسیار مخرب و مهلک دچار شده است؛ آفتی که ثمره‌ی ارادت و اعتقاد شیعه به اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را تماماً بلعیده و چیزی از آن باقی نگذاشته است! این آفت خطرناک را می‌توان گونه‌ای «قشری‌نگری» و «شعائرزدگی» در میان شیعه نامید. به این معنا که شیعه، تمرکز ویژه‌ای بر روی شعائر مذهبی و فربه‌سازی مناسک و مراسم خود دارد و تمام نیرو و سرمایه‌ی خود را صرف آن می‌کند؛ تا جایی که در مقام عمل معرفت دینی و اخلاق اسلامی در گفتمان شیعی به حاشیه رفته و تحت الشعاع شعائر و مراسم مذهبی قرار گرفته است. توضیح بیشتر آنکه شیعه‌ی امروز در باتلاق محدوداندیشی فرو رفته و غرق در مناسبت‌های مذهبی شده و شدیداً درگیر مناسبت‌های مذهبی و مشغول نمایش‌های احساسی و پرسروصدا شده است؛ تا جایی که دیگر بصیرت و پرهیزکاری را ارج نمی‌نهد و در اولویت نمی‌داند، بلکه اصل و محور را تجلیل مناسبت‌ها و تعظیم شعائر مذهبی خود قرار داده و برگزاری آن به شکلی که ارضاء‌کننده‌ی اهواء و مطابق امیالش باشد را از هر چیزی مهم‌تر می‌شمارد؛ آن چنان که اگر کسی پیدا شود و از سر خیرخواهی رفتار آنان را نقد کند و بر ضرورت و اولویت علم و اخلاق پای فشارد

و اصلاحاتی در کم و کیف این شعائر پیش نهد، نه تنها تذکّرش را نمی‌پذیرند، بلکه برافروخته و خشمگین می‌شوند و او را بدخواه و توطئه‌گر و وابسته به دشمنان مذهب خویش و در پی تعطیلی و نابودی آن می‌پندارند!

به عنوان نمونه، شیعیان امروز به هنگام فرا رسیدن ایّام محرم، بیش از هر چیز به فکر رخت و لباس عزا و أحياناً آرایش و پیرایش مطابق با مد روز یا دل‌نگران به‌روز بودن نوحه‌ها و روضه‌ها و مدل‌های عزاداری و آبرومندانه بودن تشریفات پذیرایی و گاه هم در پی رقابت با یکدیگر بر سر نصب بیرق‌های بیشتر و بزرگ‌تر و غذاها و شربت‌های با کیفیت‌تر و سر و صدا و مردم‌آزاری و هیاهو و جلب توجّه بیشتر هستند! و در این میان به ندرت کسی یافت می‌شود که به آرمان امام حسین علیه السلام بیندیشد یا به پیام او و سیره‌ی او و اخلاق و منش او اهمیت بدهد و به بهانه‌ی فرا رسیدن محرم، بستری برای کسب معرفت و آگاهی بیشتر فراهم کند! چنانکه به عنوان نمونه‌ای عینی و مستند که شاید همگی ما از آن خبر داشته باشیم، بسیاری از جوانان فعال در هیئت‌های عزاداری و کسانی که در سینه‌زنی‌ها و روضه‌ها شرکت می‌کنند و در موکب‌ها میان مردم چای و شربت و خرما و امثال آن تقسیم می‌کنند، اولیات دین خود را نمی‌شناسند و به آن پایبند نیستند و حتّی نماز هم نمی‌خوانند و در سایر ایام سال از گناهان و شرارت‌های مختلف ابایی ندارند! اما با این وجود علاقه و اهتمام خاصی به حضور در این مجالس دارند و حاضر نیستند در هیچ سالی آن را از دست بدهند. این از آن روست که شیطان و ایادی او این شعائر را در نظر آنان حتّی از نماز و رعایت احکام و حدود الهی مهم‌تر جلوه داده‌اند و این گونه آنان را در بیراهی و گناهکاری‌شان جری‌تر نموده‌اند و به این برآیند نهایی رسانده‌اند که گناهان کبیره و فسق بین با حضور در این مراسم قابل جمع است، بلکه مادامی که در این مراسم شرکت می‌کنند هیچ رذالت و معصیتی به آنان آسیب نخواهد رساند. از این رو، می‌توانند در حالی که دست در دست شیطان دارند و از گام‌های او پیروی می‌کنند، برای امام حسین نیز در ایام محرم عزاداری کنند یا به عزاداران او خدمت نمایند!

در هر حال، این رویکرد سخیف و هولناک از یک سو شیعه را از عرصه‌ی «آگاهی» و «سلامت اخلاقی» دور کرده و پیران و جوانان و زنان و مردانی تربیت نموده است که به شدّت پر شور و احساساتی هستند، اما غالباً دین و پیشوایان دینی خود را به درستی نمی‌شناسند و عمیقاً درگیر تعصّب، تقلید و خرافه‌گرایی هستند و در حوزه‌ی عبادات، اخلاقیات و سبک زندگی هیچ قرابت و شباهتی با اهل بیت طاهرين ندارند

و از سوی دیگر، بر تنها چیزی که ته بساطشان مانده، یعنی همان شعائر مذهبی نیز تاخته و آن را به انواع بدعت‌ها و خرافه‌ها و رفتارهای موهن و گاه جنون‌آمیز آلوده کرده و این گونه شیعه را از اساس به ابتذال کشانده و از درون به نابودی سپرده است؛ زیرا هیچ عرصه‌ای را برایش باقی نگذاشته مگر آنکه به انواع انحرافات ملوث نموده است. این به معنای آن است که شیعه‌ی امروز، نه تنها از معرفت و اخلاق تهی شده، بلکه دیگر هیچ هنر و مزیت‌ی جز مشتی شعائر جعلی و بی‌پایه ندارد و تا اندازه‌ای در این مسیر نامبارک پیش رفته است که هویت خود را به همین شعائر گره زده و آشکارا به زبان مَداحان و روضه‌خوان‌های خود معترف است که سرمایه‌ای جز همین شعائر ندارد!

این سخن ما نه حمله‌ای مغرضانه به مذهب شیعه و عیب‌جویی از شیعیان، بلکه بیان واقعیتی جاری و غیر قابل انکار است که در مجموعه‌ی عقاید و اعمال اکثر باورمندان به این مذهب در روزگار ما دیده می‌شود و هر انسان منصف و بی‌طرفی آن را تصدیق می‌کند.

مگر غیر از این است که غالب شیعیان در زمانه‌ی ما در مقام نظر و عمل کاملاً بر خلاف مسیر اهل بیت حرکت می‌کنند و گویی در جبهه‌ی مقابل آنان ایستاده‌اند؟! چنانکه در مقام نظر معتقد به وجوب تقلید از غیر معصوم، وجوب اطاعت بی‌قید و شرط از ولی فقیه، جواز سب و لعن صحابه و امّهات مؤمنین، وجود علم غیب برای اهل بیت و ده‌ها عقیده‌ی باطل دیگر از این دست هستند که به وضوح بر خلاف گفتمان اهل بیت و در تناقض با آموزه‌های آنان است؛ همچنانکه در مقام عمل، به کاهلی و ولنگاری در رعایت احکام شریعت و آلودگی به انواع رذائل و مفسدات اخلاقی شهره‌اند!

در این میان، چیزی که شدیداً مایه‌ی تأثر و نگرانی است، آن است که عوام کم‌سواد شیعه در انحراف عمیق خود از مکتب اهل بیت تنها نیستند، بلکه خطیبان و منبریان شیعه نیز با آنان همداستانند؛ بلکه اساساً می‌توان گفت طلایه‌داران و مروّجان اصلی این رویکرد شوم همین مآلهای افراطی مذهب‌زده، غالی و بیماردل هستند که برای گرم کردن بازار منبرهای خود و کشاندن نسل قدیم و جدید به مراکز ثروت و شهرت‌شان، از شعائر شیعی بهره می‌برند و این گونه تبلیغ می‌کنند که شرکت در مراسم عزاداری امام حسین و گریستن برای آن حضرت، اصل و اساس دین است و عقلانیت و علم‌آموزی و تقوا و عمل صالح در مقایسه با یک قطره اشک در عزای سالار شهیدان چیزی به شمار نمی‌آید! لذا با فضا سازی‌های مختلف احساسات مردم را تحریک و عقل آنان را تضعیف می‌کنند

و به مدد یاوه‌گویی و قصه‌سرایی بر موج این احساسات سوار می‌شوند تا به هر نحو ممکن، اشک آنان را در بیاورند و برای خود نیز پول یا شهرت بیشتری کسب کنند!

این عالم‌نمایان، شرورانه جای اصل و فرع دین را عوض کرده‌اند و خائنانه اشک را به جای معرفت و روضه را به جای عبادت و شفاعت را به جای تقوا نشانده‌اند و منزلت بر سر و سینه کوبیدن و خاک بر سر پاشیدن و گل بر سر مالیدن را بالاتر از ایمان و عمل صالح و کسب فضائل اخلاقی و عمل به مضامین قرآن و سنت معرفی کرده‌اند و همچون شیطان، شعائری پوک، بی‌ریشه و وارداتی مانند علم‌گردانی، انواع و اقسام خودزنی و شعرخوانی‌ها و روضه‌های سخیف و غلوآمیز را در نظر مردم زینت داده‌اند و آنان را به سراب شفاعت فریفته‌اند تا آنان را به آن دلخوش کنند و از کسب علم و فضیلت و مکارم اخلاق باز دارند!

هیچ تردیدی نیست که اصل اعتقاد به شفاعت حق است، اما قرائت منبریان شیعه از آن مملو از دروغ و توهّم است و فرسنگ‌ها با حقیقت آن فاصله دارد. در این رابطه ارشاد بسیار مهم و راهگشای پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، مغتنم و شایسته‌ی یادآوری است. در یکی از مطالب این پایگاه وزین اسلامی درباره‌ی شفاعت آمده است:

«اتّكاء به شفاعت وجهی ندارد؛ چراکه شفاعت بر خلاف قاعده است و اذن خداوند به آن در روز قیامت قطعی نیست. به عبارت دیگر، کسی نباید شفاعت را پشتوانه‌ای برای معصیت قرار دهد؛ به این معنا که با اتّكاء به آن، حرامی را مرتکب شود یا واجبی را ترک کند؛ چراکه غالب در روز قیامت، عدم شفاعت یا عدم قبول آن است و این مراد خداوند از سخن اوست که فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٍ وَلَا شَفَاعَةٍ﴾^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! از چیزی که روزی‌تان کردیم انفاق کنید پیش از اینکه روزی بیاید که در آن نه خرید و فروشی است و نه رفاقتی و نه شفاعتی» و فرموده است: ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾^۲؛ «و از روزی پروا کنید که هیچ کس به کار دیگری نمی‌آید و هیچ عوضی از او پذیرفته نمی‌شود و هیچ شفاعتی به او سود نمی‌رساند و آنان یاری نمی‌شوند».

۱. البقرة / ۲۵۴

۲. البقرة / ۱۲۳

بنابراین، سستی و ولنگاری بسیاری از شیعیان در عمل به احکام شریعت با این تصوّر که مشمول شفاعت اهل بیت پیامبر خواهند بود، ناشی از جهل آنان و جرأت‌شان بر خداوند است؛ زیرا خداوند به کسی تضمین نداده است که او را مشمول شفاعت گرداند یا شفاعت برای او را بپذیرد.^۱

از اینجا دانسته می‌شود که شیعه دچار یک خطای محاسباتی بزرگ و کج فهمی خطرناک و بدعاقبت در ارتباط با شفاعت شده است و چه بسا ریشه‌ی بسیاری از جهالت‌ها، کج‌رفتاری‌ها و گستاخی‌های شیعه نیز در همین امر نهفته باشد؛ چراکه آنان می‌پندارند به لطف اقامه‌ی این شعائر کذایی، در هر صورت مشمول شفاعت اهل بیت خواهند شد، لذا در حالی که بهره‌ای از علم و تقوا ندارند و هیچ تلاش مؤثّری برای آن نمی‌کنند، خود را برتر از سایرین می‌پندارند و با خیالی آسوده به جای تفقّه در دین و تهذیب نفس و اصلاح عقاید و اعمال که در حقیقت تنها راه نجات و رستگاری است و اتفاقاً فرد را بیشتر در معرض شفاعت قرار می‌دهد، عمر خود را صرف شعائری بی‌پایه و میان‌تهی می‌کنند تا این گونه به زعم خود راهی میان‌بر رفته باشند و بدون تحمّل دشواری‌های کسب علم و اخلاق، به بهشت برین راه یابند! در حالی که این خیالی خام و احمقانه است و به تصوّرات کودکان شباهت بیشتری دارد!

به عنوان مثال، چگونه ممکن است شفاعت پیامبر خدا و اهل بیت آن حضرت شامل حال فاسق بی‌پروایی شود که نماز نمی‌خواند یا در دین مرتکب غلو و بدعت می‌شود یا حقّ الناس به گردن دارد و به مردم ظلم می‌کند، در حالی که مطلقاً اراده‌ی توبه و اصلاحی ندارد؟! در حالی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روایت شده است: «کسی که نمازش را سبک می‌شمارد از من نیست»^۲ و روایت شده است: «کسی که نماز را از وقتش به تأخیر بیندازد به شفاعت من نمی‌رسد»^۳ و روایت شده است: «کسی که نماز را سبک می‌شمارد، به شفاعت من نمی‌رسد و به خدا سوگند در کنار حوض بر من وارد نمی‌شود»^۴. این عاقبت کسانی است که نماز را سبک شمرده‌اند، پس وای بر بی‌نمازان! یا در ارتباط با غلو و بدعت در دین از روایات نبوی دانسته می‌شود

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی، پرسش و پاسخ ۳۵۹

۲. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۲۶۹

۳. المحاسن للبرقی، ج ۱، ص ۸۰

۴. الکافی للکلینی، ج ۶، ص ۴۰۰

که غالیان و بدعت گذاران مشمول شفاعت آن حضرت نخواهند شد یا شفاعت آن حضرت سودی به حالشان نخواهد داشت؛ همچنانکه از آن حضرت روایت شده است که دو گروه به شفاعت ایشان دست نمی‌یابند: یکی حاکمی ستمگر و دیگری غلو کننده در دین^۱. یا چگونه ممکن است شفاعت امام حسین علیه السلام به کسانی برسد که حقی از مردم را ضایع کرده‌اند یا دینی از آنان بر عهده دارند؟! در حالی که در همین منبرها و روضه‌های شیعه نقل می‌کنند که خود آن حضرت در روز عاشورا کسانی که مشغول الذمه بودند و دینی بر عهده داشتند را از همراهی با خود و شهادت در رکاب خود که فیضی عظیم است، منع کرد و فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: هر کس بمیرد در حالی که دینی بر عهده‌ی خود دارد، از حسنات او در روز قیامت گرفته می‌شود» یا بنا بر نقلی دیگر فرمود: «هر کس بمیرد در حالی که دینی بر ذمه‌ی خود دارد که تدبیری برایش نکرده باشد، وارد دوزخ می‌شود»^۲.

وانگهی اگر شیعیان به «شیعه بودن» خود و محبت اهل بیت دلخوش هستند و آن را مستمسکی برای شفاعت قرار داده‌اند، باید بدانند که در نگاه امامان اهل بیت، شیعه‌ی آنان تنها کسی است که اهل تقوا و اطاعت از آنان و واجد مکارم اخلاقی باشد؛ چنانکه در روایت مهمی از امام باقر علیه السلام خطاب به جابر جعفری آمده است:

«ای جابر! آیا برای کسی که ادعای تشیع دارد کافی است که بگوید محب اهل بیت است؟! به خدا سوگند شیعیان ما نیستند مگر کسانی که از خداوند بترسند و اطاعت کنند و آنان -ای جابر!- جز با تواضع و خشوع و امانت‌داری و کثرت ذکر خداوند و روزه و نماز و نیکی با پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان از نیازمندان و درماندگان و بدهکاران و یتیمان و راستگویی و تلاوت قرآن و نگه داشتن زبان از مردم مگر به نیکی شناخته نمی‌شدند و امین عشیره‌ی خود در کارها بودند. جابر گفت: گفتم: ای پسر رسول خدا! امروز احدی را با این صفات نمی‌شناسیم! فرمود: ای جابر! راه‌های گوناگون تو را منحرف نسازند! آیا برای شخص کافی است که بگوید: من علی را دوست می‌دارم و به ولایت او معتقدم، سپس به همراه آن عامل نباشد؟! پس اگر بگوید من رسول خدا

۱. بنگرید به: قرب الإسناد للحمیری، ص ۶۴؛ مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهیثمی، ج ۵، ص ۲۳۵

۲. موسوعة کلمات الإمام الحسین، ص ۵۰۵

صَلَّى اللّٰه عليه و آله و سلّم را دوست می‌دارم - در حالی که رسول خدا صَلَّى اللّٰه عليه و آله و سلّم از علی علیه السلام بهتر است - سپس از سیره‌ی او پیروی و به سنّت او عمل نکند، دوست داشتن او به وی سودی نمی‌رساند. پس از خداوند بترسید و برای چیزی که نزد خداوند است عمل کنید؛ چراکه خداوند با احدی خویشاوندی ندارد و محبوب‌ترین و گرامی‌ترین بندگان نزد خداوند عزّ و جلّ کسی است که تقوای بیشتری دارد و به طاعت او بیشتر عمل می‌کند. ای جابر! به خدا سوگند جز با طاعت نمی‌توان به خدای تبارک و تعالی تقرّب یافت و به همراه ما برائت از آتش نیست و هیچ کس بر خداوند حجتی ندارد. هر کس فرمانبردار خداوند باشد، او دوست ماست و هر کس نافرمان خداوند باشد، او دشمن ماست و ولایت ما جز با عمل و ورع به دست نمی‌آید»^۱.

این آموزه‌های صریح و روشن‌گر آشکار می‌کند که مذهب شیعه هدف خود را گم کرده و در مبانی و راهبردهای خود، فاصله‌ی قابل توجهی با مکتب اهل بیت گرفته است و چیزی جز پیکره‌ای آفت‌زده و نیمه‌جان از او به جا نمانده است. از همین رو، بر تمامی دلسوزان و عقلای شیعه - اگر باقی مانده باشند - بایسته است که هر چه زودتر به خود آیند و اصلاحاتی بنیادین در پیش گیرند و شیعه را از منجلاب متعقّن عوام‌زدگی و شعائر محوری بیرون بکشند و با پیروی از رهنمودهای اهل بیت پیامبر خدا صَلَّى اللّٰه عليه و آله و سلّم به سلامت و پویایی گذشته بازگردانند.



۱. الکافی للکلینی، ج ۲، ص ۷۴؛ صفات الشيعة لابن بابويه، ص ۱۱؛ أمالي الطوسي، ص ۷۳۵؛ ترجمه‌ی حدیث از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.